



RESEARCH ARTICLE

Examining EU Policies for Managing Conflict of Interests in the Field of Climate Change


Roxana Niknami^{1*}, Seyed Kazem Sharifi Dehnavi²

1. Assistant Professor, Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Corresponding Author's Email: Niknami.roxana@ut.ac.ir

2. MA. in Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: Kazem.sharifi91@gmail.com

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.95721>

Received: 13 April 2023
Accepted: 11 September 2023
Available Online: 11 December 2023

ABSTRACT

Climate change is one of the challenges that threaten human life on the planet, and the EU member states are not exempt from this. The current research aims to answer the question, how has the European Union's policy been to solve the challenge of conflict of interests in the issue of climate change? In response, this hypothesis can be proposed that the European Union has adopted an institutional approach to deal with climate change, based on which policy-making institutions have adopted ambitious policies, considering the risks of climate change and the differences between member states simultaneously. Legislators have provided the necessary legal framework and managed the conflict of interests caused by climate change by trying to balance economic and environmental interests with the support of policymakers. Multi-level governance theory has been used to examine the hypothesis and the intrinsic case studies method is used for its test. The result of this research shows that the European Union has dealt with climate change by creating coordination between different member states and considering the economic conditions of weaker countries.

Keywords: Climate Change, Conflict of Interests, Environmental Policy, European Union, Sustainable Development, Multi-Level Governance

Citation: Niknami, Roxana; Sharifi Dehnavi, Seyed Kazem (2023). Examining EU Policies for Managing Conflict of Interests in the Field of Climate Change. *Iranian Journal of Public Policy*, 9 (3), 25-39.
DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.95721>.

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

بررسی سیاست‌های اتحادیه اروپا برای مدیریت تضاد منافع در حوزه تغییر اقلیم

رکسانا نیکنامی^{۱*}، سید کاظم شریفی دهنوی^۲

۱. استادیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه نویسنده مسئول: Niknami.roxana@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: Kazem.sharifi91@gmail.com

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.95721>

تاریخ دریافت: ۲۴ فروردین ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۲

چکیده

تغییر اقلیم از جمله چالش‌هایی است که زندگی بشر بر روی کره زمین را تهدید می‌کند. در این میان، کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز مستثنا نبوده و در معرض خطرات ناشی از تغییر اقلیم هستند. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که سیاست‌گذاری اتحادیه اروپا برای حل چالش تضاد منافع در موضوع تغییر اقلیم چگونه بوده است؟ در پاسخ می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که اتحادیه اروپا برای مقابله با تغییر اقلیم رویکردی نهادی را اتخاذ کرده است که بر اساس آن نهادهای قانون‌گذار بستر قانونی موردنیاز را فراهم کرده و با تلاش برای ایجاد تعادل میان منافع اقتصادی و منافع زیست محیطی با همراهی سیاست‌گذاران به مدیریت تضاد منافع ناشی از تغییر اقلیم پرداخته‌اند. برای بررسی فرضیه از نظریه حکمرانی چندسطحی و برای آزمون آن از روش «مطالعه موردی ذاتی» بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد اتحادیه اروپا از راه ایجاد هماهنگی میان کشورهای مختلف و در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشورهای ضعیف‌تر توانسته است به مقابله با تغییرات آب‌وهوایی بپردازد. افزون بر آن، به نوعی در سطح بین‌المللی نیز با در نظر گرفتن شرایط کشورهای در حال توسعه به مقابله با این پدیده کمک کرده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، تضاد منافع، تغییر اقلیم، توسعه پایدار، سیاست‌گذاری زیست‌محیطی، حکمرانی چندسطحی.

استناد: نیکنامی، رکسانا؛ شریفی دهنوی، سید کاظم (۱۴۰۲). بررسی سیاست‌های اتحادیه اروپا برای مدیریت تضاد منافع در حوزه تغییر اقلیم، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۹ (۳)، ۲۵-۳۹.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.95721>.



ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

یکی از بغرنج‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی پیش روی بشر را می‌توان تغییر اقلیم دانست. در مقام رویارویی و مقابله با این آسیب، اتحادیه اروپا پیش از دیگر مناطق و کشورهای جهان به چاره‌اندیشی پرداخت. آژانس محیط زیست اروپا^۱ در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که گرمایش زمین در اروپا با سرعتی بالاتر از میانگین جهانی رخ داده و در آینده نیز تشدید خواهد شد. شرایط آب‌وهوایی شدید ناشی از تغییر اقلیم می‌تواند منجر به اثرات نامطلوب بر اکوسیستم، اقتصاد، سلامت و رفاه شهروندان اروپایی شود (European environment agency, 2023). بنابراین لازم است اتحادیه اروپا رسماً برای مقابله با تغییر اقلیم وارد عمل شود. اتحادیه اروپا دارای یک ساختار نهادی منحصر به فرد است و سیستم تصمیم‌گیری در این اتحادیه دائماً در حال تغییر است. ۷ نهاد، ۷ هیات و بیش از ۳۰ آژانس غیرمتمرکز در سراسر اتحادیه اروپا پراکنده شده‌اند. ۴ نهاد اصلی پارلمان اروپا، شورای اروپا، شورای اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپا مدیریت اتحادیه اروپا را بر عهده دارند (European Union, 2023a). در جدول ۱ به نهادهای درگیر در مدیریت تغییر اقلیم اتحادیه اروپا اشاره شده است.

جدول ۱. نهادهای دست‌اندرکار تغییر اقلیم در اروپا

اداره کل اقدامات اقلیمی ^۲	کمیسیون اروپا
عنوان برنامه‌ی تغییر اقلیم اروپا ^۳ صندوق نوآوری ^۴	پارلمان اروپا
تصویب قوانین اقتصاد چرخشی ^۵	شورای اتحادیه اروپا
شورای محیط زیست	دیوان دادگستری اتحادیه اروپا
طرح مدیریت و حسابرسی زیست‌محیطی ^۶ دستورالعمل‌های طبیعت ^۷	

منبع: نگارندگان

وجود نهادهای متعدد و سیاستگذاری در دو سطح ملی و منطقه‌ای می‌تواند راهگشا باشد؛ اما در عین حال سبب شکل‌گیری **تضاد منافع**^۸ می‌شود. منافعی که هر کدام طالبان و دنبال‌کنندگان خود را دارند و مبنایی در تعیین مسیر و عملکرد ایشان به شمار می‌آیند. تضاد میان منافع کشورهای مختلف این اتحادیه، نتیجه‌ای خود به خودی از این ناهمگونی و عدم تقارن خواهد بود که در سطحی دیگر، با تضاد میان منافع فردی و جمعی مردم درمی‌آمیزد. بنا بر آنچه ذکر آن رفت، این پرسش مطرح می‌شود که سیاستگذاری اتحادیه اروپا برای حل چالش تضاد منافع چگونه بوده است؟ در پاسخ می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که اتحادیه اروپا برای مقابله با تغییر اقلیم رویکردی نهادی را اتخاذ کرده است که بر اساس آن نهادهای سیاست‌گذار با در نظر گرفتن مخاطرات تغییر اقلیم و در عین حال تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو، سیاست‌هایی را اتخاذ نموده، نهادهای قانون‌گذار بستر قانونی موردنیاز را فراهم کرده و در نهایت سیستم قضایی اتحادیه اروپا با تلاش برای ایجاد تعادل میان منافع اقتصادی و منافع زیست‌محیطی با همراهی سیاست‌گذاران به مدیریت تضاد منافع ناشی از تغییر اقلیم پرداخته‌اند. برای بررسی این فرضیه از نظریه حکمرانی چندسطحی بهره برده می‌شود. در همین راستا پس از بررسی پیشینه پژوهش و توضیح چارچوب نظری، ابتدا به بررسی سیاستگذاری اتحادیه اروپا در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته و سپس تعارض منافع شکل گرفته میان این دو سطح و شیوه پاسخ‌دهی اتحادیه به آن بررسی خواهد شد. روش پژوهش مورد استفاده در این نوشتار «مطالعه

1. European Environment Agency
 2. Directorate-General for Climate Action
 3. European Climate Change Programme (ECCP)
 4. Innovation Fund
 5. Circular Economy
 6. Eco Management and Audit Scheme (EMAS)
 7. Nature Directives
 8. Conflict of Interests

موردی ذاتی^۱ است. مطالعه موردی تعاریف زیادی دارد. به گفته جانسون و کریستنسن (۲۰۰۸)، «مطالعه موردی به عنوان یک سیستم محدود تعریف می‌شود». «سیستم» از آن نظر که شامل بسیاری از بخش‌های مرتبط با هم از یک مجموعه یا سازمان است (در اینجا اتحادیه اروپا) و «محدود» به جهت شناسایی بخشی یا عنصری از آن سازمان و مرزهای آن برای مطالعه (در اینجا تضاد منافع در امر تغییر اقلیم) (Kekeya, 2021:28). نوع مطالعه موردی انجام شده در این پژوهش، ذاتی است. مطالعه موردی ذاتی با موضوع‌ها یا مشکلات درونی یک مورد مطالعاتی سروکار دارد. در واقع در این نوع، تمرکز بر روی مشکل و حل آن است (Kekeya, 2021:35). نگارندگان از مطالعه موردی ذاتی برای بررسی موضوع تضاد منافع در زمینه خاص مسائل تغییر اقلیم اتحادیه اروپا بهره گرفته‌اند. در مطالعه موردی ذاتی، مورد بر اساس شایستگی‌هایی که از خود در حل یک مسئله نشان داده است انتخاب می‌شود. بر همین اساس اتحادیه اروپا به عنوان نهادی موفق در سیاستگذاری تغییر اقلیم در نظر گرفته شده است. بر خلاف مطالعه موردی ساده یا انفرادی، این بدان معنا نیست که اتحادیه اروپا نماینده سایر نهادهای بین‌المللی یا دولت‌ها در این مورد است؛ بلکه به دلیل منحصر به فرد بودن خصیصه آن است که واقعاً مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

به‌طور کلی منابع موجود در موضوع حاضر را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

دسته نخست آثاری که به بررسی تغییر اقلیم و پیامدهای آن بر کشورهای اروپایی به‌ویژه کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌پردازند. در قسمت اول گزارشی که اندیشکده/ی ۳ جی^۲ (۲۰۱۹) منتشر کرده است؛ پیامدهای تغییر اقلیم در اروپا را تهدید امنیتی هم‌سطح با جنگ، تروریسم و جنایات سازمان‌یافته تلقی می‌کند. از دیگر آثار در این دسته می‌توان به مقاله بنزی و همکاران (۲۰۱۹) اشاره کرد. در منابع داخلی نیز پورهاشمی و همکاران (۱۳۹۳) و علیزاده و همکاران (۱۳۹۸) از این منظر به موضوع نگریسته‌اند. این آثار به رغم تحلیل وضعیت کنونی تغییر اقلیم در اروپا، به بررسی سیاست‌های مقابله‌ای اتحادیه اروپا و چالش‌های پیش روی سیاستگذاری اقلیمی پرداخته‌اند، مسئله‌ای که جُستار پیش رو کوشیده است در نظر آورد. پیمایش مرکز پیمایش اجتماعی اروپا^۳ (۲۰۱۸) نیز به بررسی نگرش افکار عمومی اروپا به تغییر اقلیم و انرژی پرداخته است و به این نتیجه می‌رسد که هرچند گرایش برای حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر در میان مردم زیاد است، اروپایی‌ها انگیزه لازم برای تغییر رفتار در مقیاس بزرگ را ندارند. دواندام و بویکرینگ (۲۰۲۱) نیز در مقاله خود با بررسی داده‌های یک نظرسنجی از ۱۵۵۰۰۰ پاسخ‌دهنده از ۲۸ کشور اروپایی، به تحلیل رابطه‌ی میان تغییر اقلیم، بحران لیبرال دموکراسی، ظهور عوام‌گرایی^۴ راست‌گرا و بحران اقتصادی پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها اغلب تغییر اقلیم از دریچه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بررسی شده است که جُستار پیش رو زوایای حقوقی و قانونی تغییر اقلیم را نیز بر آن افزوده است. همچنین، این پژوهش‌ها بیش از هر چیز بر مسایل داخلی اتحادیه اروپا متمرکزند، در حالی که جُستار حاضر دامنه‌ی بررسی را تا ابعاد بین‌المللی می‌گستراند.

دسته دوم آثار به بررسی سیاستگذاری کلان اتحادیه اروپا نسبت به تغییر اقلیم می‌پردازند. از مهم‌ترین مسائل مربوط به سیاستگذاری در اتحادیه اروپا، هماهنگ‌سازی سیاست‌ها میان کشورهای مختلف با شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گوناگون است. راسل و همکاران (۲۰۲۰) بر این باورند که تغییر اقلیم چالشی پیچیده، بلندمدت و چند سطحی است و وابستگی‌های متقابل بازیگران، اهداف و رویکردهای متفاوتی را به همراه دارد. مقاله یاد شده به طور خاص، هماهنگی میان سیاست‌های اقلیمی شش کشور اروپایی را مورد بررسی قرار داده است، در حالی که جُستار پیش رو این مسئله را - که از پایه‌های رفع تضاد منافع میان کشورهای اروپایی است - در سطح اتحادیه اروپا و با در نظر گرفتن شرایط کلی تمام کشورهای عضو بررسی نموده و رویکرد

1. Intrinsic Case Studies
2. E3G
3. European Social Survey
4. Populism

اتحادیه اروپا در سطح بین‌المللی را نیز بر آن افزوده است. بور (۲۰۱۶) و براون (۲۰۱۹) نیز هر دو به دشواری‌های سیاست‌گذاری در حوزه تغییر اقلیم در اتحادیه اروپا پرداخته‌اند. بور یکی از راه‌های مناسب برای کاهش سطح انتشار را هم‌سو شدن سیاست‌های زیست‌محیطی و آب‌وهوایی با سازوکار بازار آزاد می‌داند. براون نیز به بررسی شکاف میان برخی کشورهای اروپای شرقی و دلایل مخالفت آن‌ها با سیاست‌های زیست‌محیطی اتحادیه اروپا پرداخته است. کشورهای گروه ویشه‌گرا به دلیل سطح بالای اختلاف اقتصادی با دیگر کشورها و تهدید فزاینده امنیت انرژی چندان از این سیاست‌ها تبعیت نمی‌کنند. برخلاف پژوهش حاضر، این دو مقاله بیش از هر چیز، به ابعاد سیاسی موضوع پرداخته‌اند و شیوه برخورد حقوقی اتحادیه اروپا با تضاد منافع شکل گرفته، چه در سطح جوامع یا در سطح ملی، را بررسی نکرده‌اند. این در حالی است که قانون‌گذاری و برخورد حقوقی یکی از ابزارهای کارآمد برای مدیریت هرچه بهتر تضاد منافع است.

دسته سوم آثار نیز ابعاد قانون‌گذاری، حقوقی و قضایی تغییر اقلیم در اتحادیه اروپا را بررسی می‌کنند. هیگم و همکاران (۲۰۲۳) معتقدند در نتیجه‌ی تصویب پیمان سبز اروپا^۱ و قانون اقلیم اروپا^۲، دعاوی حقوقی علیه شرکت‌ها و کسب‌وکارها در ارتباط با تغییر اقلیم در اتحادیه اروپا افزایش خواهد یافت. این روند می‌تواند بر کسب‌وکارها و شرکت‌های خصوصی تاثیرگذار باشد. موسسه گرنتمام^۳ (۲۰۲۲) نیز به بررسی دعاوی حقوقی مرتبط با تغییر اقلیم در اروپا پرداخته است. نویسندگان بخش اول گزارش را به آمار و ارقام مربوط به دعاوی هم‌چون تجزیه و تحلیل بازیگران دخیل در دعاوی قضایی و نتایج آن‌ها اختصاص داده‌اند و در بخش دوم با رویکردی کیفی به بررسی تحولات کلیدی دعاوی آب و هوایی کشورهای اروپایی در سطح داخلی می‌پردازند. با بررسی‌های صورت گرفته، نویسندگان بر این باورند که با افزایش روزافزون تعداد این دعاوی، وکلا و دادگاه‌ها نیازمند افزایش آگاهی و اطلاعات لازم در ارتباط با مسایل اقلیمی هستند. در منابع فارسی نیز کریمی (۱۴۰۰) به این بُعد پرداخته است. گرچه در این پژوهش‌ها به خوبی ابعاد حقوقی و قضایی مرتبط با سیاست‌های اقلیمی اتحادیه اروپا بررسی شده‌اند، آن چه وجه تمایز جُستار پیش رو با این پژوهش‌هاست رویکرد نهادی است که با تکیه بر آن افزون بر ابعاد حقوقی، امکان بررسی ابعاد اقتصاد سیاسی نیز، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی، فراهم آمده است. برگرز (۲۰۲۰) نیز معتقد است اگرچه برخی شرکت‌های بزرگ ذی‌نفع در زمینه سوخت‌های فسیلی هم‌چون شل مخالف ورود قوه قضاییه به مسائل اقلیمی هستند و این مسئله را در تضاد با تفکیک قوا می‌دانند؛ اما گسترش دامنه مسایل مربوط به تغییر اقلیم از حوزه سیاسی به حوزه حقوقی می‌تواند به دیده شدن هر چه بیش‌تر مشکلات زیست‌محیطی کمک کند. با وجود تأکید بر بعد حقوقی در آثار دسته سوم، ورودی به مبحث تضاد منافع صورت نگرفته است و مقالات در سطح توصیف باقی مانده‌اند.

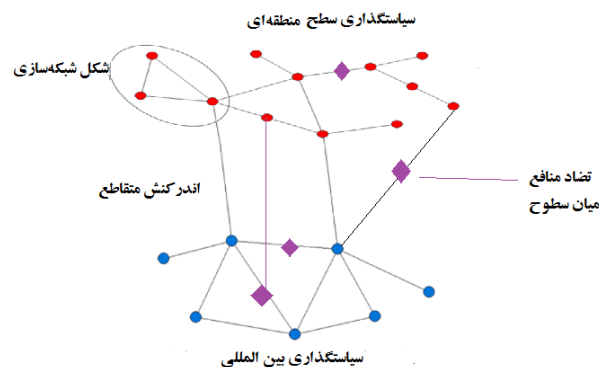
چار چوب نظری

برای بررسی این پژوهش از نظریه حکمرانی چند سطحی بهره گرفته شده است. راه‌های سنتی سیاست‌گذاری به صورت عام از یک الگوی بالا به پایین محلی تبعیت می‌کند که در آن دولت‌های ملی نقش کانونی دارند. این در حالی است که در ادبیات حکمرانی نقش کانونی دولت زیرسؤال می‌رود و ما شاهد شکل‌گیری نهادهای مرتبط با دولت هستیم که در کنار آن یک اقتدار سیاسی جدید را شکل می‌دهند (Eckerberg & Joas, 2004: 405). این انگاره به معنای نابودی دولت-ملت نیست بلکه به معنای تحول در جایگاه نهادی آن است. این تغییر در قلب معنای حکمرانی قرار دارد. گذار از حکمرانی محلی سنتی و ایجاد شبکه پیچیده‌ای از نهادها در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فقط جنبه نظری ندارد و در اتحادیه اروپا بدان جامه عمل پوشانیده شده است. در واقع آنچه در اتحادیه اروپا رخ داد؛ از نوع حکمرانی چندسطحی است. مفهوم حکمرانی چندسطحی برای اولین بار در سال ۱۹۹۳

1. European Green Deal
2. European Climate Law
3. Grantham Institute

توسط گری مارکس و برای توضیح فرایندهای سیاسی برآمده از پیدایش نهادهای فراملی و اشاره به تحولات بافتاری و پویایی سیاست اتحادیه اروپا به کار رفت. حکمرانی چندسطحی به توصیف فرایندهای توزیع مجدد قدرت، روابط میان دولت‌ها و نحوه تقابل میان دولت‌ها و سطح حکومتی می‌پردازد (Sarvestani, 2022: 67-68). از دید اتحادیه اروپا، حکمرانی چندسطحی به مثابه نظام‌هایی از مذاکرات ادامه‌دار میان حکومت‌ها در مناطق مختلف است. یعنی اقتدار تنها به صورت عمودی میان سطوح اداری تقسیم نشده است؛ بلکه به صورت افقی میان بخش‌های مختلف گروه‌های ذی‌نفع مثل بازیگران غیرحکومتی، بازارها و جامعه مدنی نیز تقسیم شده است. این نظام‌های مذاکره معرف شکلی از انعطاف و حکمرانی انطباقی در ساختارهای رسمی و غیررسمی هستند و می‌توانند به طیف گسترده‌ای از سطوح تسری یابد (Daniell & Kay, 2017: 8). برای بررسی پیچیدگی چالش‌های بلندمدت تغییر اقلیم، غلبه بر محدودیت‌های رهبری متمرکز و تمرکززدایی عملی، ارایه نظام چندسطحی از حکمرانی مناسب است. حکمرانی چندسطحی معرف گذار در روابط قدرت از سه جهت است: انتقال قدرت از مرکز به پیرامون، افزایش سهم قدرت میان دولت-ملت و جامعه مدنی و کاهش حاکمیت دولتی به واسطه افزایش همکاری‌های بین‌المللی (Di Gregorio & Others, 2019: 65). این دگردیسی قدرت مرکزی دولت می‌تواند منجر به یکی از انواع نظام حکمرانی شود: نوع اول، نظام فدرالی و نوع دوم نظام چندمرکزی^۱ شبه مستقل اقتدارگرا است (Di Gregorio & Others, 2019: 65). حکمرانی چندسطحی اجرایی در اتحادیه اروپا ترکیبی از هر دو با تاکید بر نوع اول است. در حکمرانی چندسطحی فدرال دولت-ملت‌ها هنوز نقش مهمی دارند. به عبارتی نوعی تحول عمودی در حکمرانی چندسطحی رخ داده است. اما از سوی دیگر نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در مراتب بالاتر قرار دارند. به عبارت بهتر، سایر واحدهای غیرملی می‌توانند و می‌خواهند بر فرایند سیاستگذاری ملی تأثیرگذار باشند. اتحادیه اروپا دقیقاً از این مسیر برای تغییر رفتار دولت‌ها به‌ویژه در حوزه محیط زیست بهره می‌برد. در این حالت حکمرانی چندسطحی در رقابت چالشی با نظریه همگرایی سنتی عمل می‌کند (Eckerberg & Joas, 2004: 408). در حکمرانی چندسطحی اتحادیه اروپا، صلاحیت‌های تصمیم‌گیری توسط بازیگران در سطوح مختلف به اشتراک گذاشته می‌شود و از انحصار مقامات عمومی کشورهای عضو درمی‌آید. به عنوان مثال در اتحادیه اروپا نهادهای فراملی مانند کمیسیون اروپا در سیاستگذاری نقش مستقلی دارند. مقامات عمومی دولت‌های ملی ممکن است نقش مهمی در اتحادیه اروپا داشته باشند؛ اما دولت‌های ملی ممکن است دیگر سیاستگذاران انحصاری در سطح اتحادیه نباشند. بنابراین لازم است نقش بازیگران مستقل برای تبیین سیاستگذاری تحلیل شود. ابزارهای اتحادیه اروپا در این راه مقررات‌گذاری^۲ و دستورالعمل^۳ است (Political club, 2023). حکمرانی جهانی محیط زیست را می‌توان ایجاد سیاست‌های زیست محیطی از راه اندرکنش و شبکه پیچیده‌ای از بازیگران سطوح فراملی تا فروملی، بخش خصوصی و جامعه مدنی، احزاب و گروه‌های فشار، نمایندگان شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی تعریف کرد. مهم‌ترین ویژگی این رویکرد حکمرانی چندسطحی، چند مرکزی و چندابزاری بودن آن است که به اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد با استفاده از ابزارهای گوناگون، سیاست‌ها را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال کند (Sarvestani, 2022: 69). تصمیمات مربوط به تغییر اقلیم در مقیاس مختلف اتخاذ شده و در مورد آن‌ها به اجماع می‌رسند. ظهور رژیم زیست‌محیطی و افزایش شبکه‌های حکمرانی تغییر اقلیم نشان‌گر جریانی است که در سطح رسمی و غیررسمی حکمرانی در حال رخ دادن است. کارایی حکمرانی چندسطحی نقش مهمی در عملکرد دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در مدیریت تضاد منافع در قانون‌گذاری محیط زیست دارد. مقامات منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی در اجرای این ساختار ایفا می‌کنند. با توجه به آنچه ذکر آن رفت شیوه کاربست نظریه به موضوع را می‌تواند بر اساس دیاگرام زیر نمایش داد.

1. Polycentric
2. Regulations
3. Directives



شکل ۱. چارچوب نظری حکمرانی چندسطحی و جایگاه تضاد منافع در آن. منبع: نگارندگان.

تغییر اقلیم و جریان قانون‌گذاری در اتحادیه اروپا (سطح منطقه‌ای)

اساس نظام حقوقی اتحادیه اروپا را معاهدات آن تشکیل می‌دهد. اهداف تعیین شده در این معاهدات با کمک اقدامات حقوقی گوناگونی تحقق می‌یابد که برخی از آن‌ها الزام‌آور هستند و برخی غیرالزام‌آور. برخی در همه کشورهای اتحادیه اروپا اعمال می‌شود و برخی دیگر به چند کشور محدود می‌شوند. قسمتی از مقررات زیست محیطی به‌عنوان جزئی از فرایند تصمیم‌سازی پیشاپیش به بررسی اثرات احتمالی می‌پردازد و قسمت دیگر آن به دنبال تنظیم کمیت و ماهیت فعالیت‌های انسانی است. سیاست‌های زیست‌محیطی اتحادیه اروپا بر اساس مفاد ۱۱، ۱۹۱، ۱۹۲ و ۱۹۳ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا^۱ تدوین می‌شوند. بر پایه ماده‌ی ۱۹۲ این معاهده، پارلمان و شورای اتحادیه اروپا بنا بر روال معمول قانون‌گذاری می‌کنند و پس از مشورت با کمیته اقتصادی و اجتماعی و همچنین، کمیته مناطق^۲ به تصمیم‌گیری در خصوص سیاست‌های زیست‌محیطی می‌پردازند (European Union, 2012). برخی مبانی حقوقی اتحادیه اروپا که با مسایل زیست‌محیطی مرتبطند عبارتند از:

- **اصل ضرورت عمل موثر^۳**: این اصل درجه‌ای از استقلال را برای نهادهای پایین‌تر نسبت به یک نهاد بالاتر یا یک مقام محلی نسبت به دولت مرکزی تضمین می‌کند. طبق این اصل، قدرت میان سطوح و منابع مختلف تقسیم می‌شود. همچنین، تا زمانی که کشورهای عضو می‌توانند به یک مسئله در سطوح مرکزی، منطقه‌ای یا محلی رسیدگی کنند، مداخله اتحادیه در آن مسئله رد می‌شود (European Parliament, 2023).
- **اصل پرداخت هزینه از سوی آلاینده^۴**: شرکت‌های مولد آلودگی، باید هزینه‌های مدیریت آن را برای جلوگیری از آسیب به سلامت انسان یا محیط زیست بپردازند. یکی از راه‌های اعمال این اصل بر تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای می‌تواند از طریق سیاست «قیمت کربن» باشد (London school of economics and political science, 2022).
- **اصل احتیاط^۵**: نوعی مدیریت ریسک است که در آن، اگر ممکن است یک سیاست یا اقدام معین به مردم یا محیط زیست آسیب برساند و هنوز توافق علمی در مورد موضوع وجود نداشته باشد، سیاست یا اقدام موردنظر نباید اجرا شود. باین‌حال، سیاست یا اقدام ممکن است زمانی که اطلاعات علمی بیشتری در دسترس قرار گیرد، بازنگری شود (EUR-Lex, 2023).
- **اصل پیشگیری^۶**: هدف، پیشگیری از آسیب زیست محیطی به گونه‌های حفاظت‌شده یا زیستگاه‌های طبیعی، آب و خاک به‌جای واکنش بعد از وقوع فاجعه زیست محیطی است. برخلاف اصل احتیاط، اصل پیشگیری در قانون و سیاست زمانی

1. The Treaty on the Functioning of the European Union
 2. Committee of the Regions
 3. Subsidiarity
 4. Polluter Pays Principle
 5. Precautionary Principle
 6. Prevention Principle

اعمال می‌شود که خطر آسیب به محیط زیست مشخص باشد. با این حال، اصول احتیاط و پیشگیری ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند (European commission, 2023a).

در راستای اصل‌های اشاره شده، در سال ۲۰۱۹، کمیسیون اروپا سندی را با عنوان پیمان سبز اروپا^۱ تدوین کرد. پیمان سبز اروپا در پی آن است که اتحادیه اروپا را قادر سازد تا سال ۲۰۵۰ برای اولین بار در جهان، انتشار گازهای گلخانه‌ای را در کشورهای عضو در حدی کاهش دهد که به شرایط آب‌وهوایی خنثی دست پیدا کنند. این پیمان بنا دارد نقشه راهی را در اختیار اتحادیه اروپا قرار دهد که تعیین اقدامات لازم برای استفاده بهینه و مؤثر از منابع، از راه اقتصادی پاک و چرخشی، متوقف کردن تغییرات آب‌وهوایی، بازگرداندن تنوع زیستی و در نهایت کاهش آلودگی را سرلوحه خود قرار دهد. این سند ابزارهای مالی و سرمایه‌گذاری‌های لازم برای دستیابی به چنین رویکردی را همراه با اطمینان یافتن از عادلانه و فراگیر بودن آن شرح می‌دهد (European Commission, 2019). دستیابی به اهداف تعیین‌شده در پیمان سبز اروپا نیازمند بستری قانونی است. از این رو، کمیسیون اروپا برای تبدیل اقتصاد و جامعه اروپایی، به اقتصاد و جامعه‌ای عاری از انتشار گازهای گلخانه‌ای، بستری قانونی با عنوان *قانون اقلیم اروپا*^۲ تدوین نمود. هدف اصلی سند قانون اقلیم اروپا آن است که تمامی سیاست‌های این اتحادیه، همه بخش‌های اقتصادی و همچنین کل جوامع اروپایی، برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده در سند پیمان سبز اروپا نقش خود را ایفا نمایند. این سند در مارس ۲۰۲۰ از سوی کمیسیون اروپا ارائه شد (European Commission, 2020). این سند قانونی زیرمجموعه‌ای از آیین‌نامه‌های اتحادیه اروپاست که از تاریخ سی ژوئن ۲۰۲۱ لازم‌الاجرا شده است (European Union, 2021). اتحادیه اروپا علاوه بر قانون اقلیم اروپا، روند قضایی پیشرفته‌ای تحت عنوان عدالت اقلیمی^۳ در پیش گرفته است (Lepage, 2023). طبق مفروضه عدالت اقلیمی، آسیب‌پذیرترین و فقیرترین افراد در جامعه اغلب بیشترین تأثیر را از تغییرات آب‌وهوایی متحمل می‌شوند، این در حالی است که این افراد کمترین مسئولیت را در قبال انتشار گازهای گلخانه‌ای دارند. برای کاهش تغییرات آب‌وهوایی و همچنین انطباق با پیامدهای آن، سیستم‌های تولید و مصرف باید تغییر کنند (European Economic and Social Committee, 2017).

تغییر اقلیم و جریان قانون‌گذاری در اتحادیه اروپا (سطح بین‌المللی)

از زمانی که تغییر اقلیم در سیاست بین‌الملل پدیدار شد (۱۹۹۰)، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن رهبری بین‌المللی مقابله با تغییر اقلیم را عهده‌دار شدند. برای نمونه، از کنفرانس سازمان ملل متحد (۱۹۹۲) و پروتکل کیوتو (۱۹۹۷) تا توافق پاریس (۲۰۱۵)، اتحادیه اروپا نقش رهبری را بر عهده داشته است. این نقش با وجود شکاف‌های سیاسی و اجتماعی و رشد عوام‌گرایی در اتحادیه اروپا و تغییرات قابل توجه در سیاست بین‌الملل، توانسته است تاکنون ادامه یابد (Oberthür & Dupont, 2021: 1095). گرچه اتحادیه اروپا برای مقابله با تغییر اقلیم بسیار کوشیده است، اما تا زمانی که دیگر کشورهای جهان نیز این سیاست‌های سخت‌گیرانه را دنبال نکنند خطر انتشار گازهای گلخانه‌ای پابرجاست. از آن جمله، می‌توان به خطر «نشت کربن»^۴ اشاره کرد. بدین معنا که ممکن است تولیدکنندگان اروپایی، محصولات پُر کربن خود را به دلیل سیاست‌های سختگیرانه‌ی اتحادیه اروپا به خارج از محدوده‌ی این حوزه منتقل و سپس این محصولات را به کشورهای عضو اتحادیه اروپا وارد کنند یا این محصولات با واردات محصولات مشابهی که کربن بیشتری برای تولید آن‌ها صرف شده است جایگزین شوند. از این رو، کمیسیون اروپا در تاریخ ۲۰۲۱ طرحی را با عنوان «ساز و کار تنظیم مرز کربن اتحادیه اروپا»^۵ برای مقابله با این مشکل پیشنهاد داد. بر اساس این طرح، برای محصولات

1. European Green Deal

2. European Climate Law

3. Climate Justice

4. Carbon Leakage

5. Carbon Border Adjustment Mechanism (CBAM)

مختلف در حوزه سیمان، فولاد، آلومینیوم، کود، برق و هیدروژن قیمتی منصفانه برای میزان کربن مصرف‌شده در فرایند تولید کالا مشخص شده که واردکنندگان باید آن را پرداخت نمایند. هدف اصلی این طرح، حمایت از تولیدکنندگان پاک‌تر در کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپاست. این طرح در هماهنگی با سازمان تجارت جهانی است، به همین دلیل اتحادیه اروپا تضمین می‌کند که قیمت تعیین‌شده برای انتشار کربن معادل قیمت کربن داخلی باشد. این طرح از اکتبر سال ۲۰۲۳ لازم‌الاجراست (European Commission, 2023b).

- رایزنی‌ها: اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن به‌طور فعال در آن دسته از مجامع بین‌المللی شرکت می‌کنند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به ورود تصمیمات یا توصیه‌های ایشان در فرآیند سازمان ملل کمک می‌کند. برای مثال معاهده پاریس یا پروتکل کیوتو.
- تامین مالی بین‌المللی و تطابق جریان‌های مالی با اهداف آب‌وهوایی: اتحادیه اروپا در راستای ایجاد حمایت‌های لازم برای کاهش و سازگاری با تغییرات آب‌وهوایی به همکاری با اقتصادهای درحال توسعه می‌پردازد. این اتحادیه، کشورهای عضو آن و بانک سرمایه‌گذاری اروپا^۱ در کنار هم بزرگ‌ترین تامین‌کننده کمک‌های مالی عمومی برای اقتصادهای درحال توسعه در جهت سیاست‌های اقلیمی هستند. این کمک‌ها در سال ۲۰۲۱ به حدود ۲۳،۰۴ میلیارد یورو رسید (European Commission, 2023c). در اکتبر ۲۰۱۹، اتحادیه اروپا به همراه آرژانتین، کانادا، شیلی، چین، هند، کنیا و مراکش (که اکنون کشورهای بیش‌تری بدان ملحق شده‌اند)، پلتفرم^۲ بین‌المللی تامین مالی پایدار را راه‌اندازی کردند. هدف این پلتفرم، افزایش بسیج سرمایه خصوصی برای سرمایه‌گذاری پایدار زیست‌محیطی است (European Commission, 2023c). کمیسیون اروپا و بسیاری از کشورهای عضو، در راستای حرکت به‌سوی هدف ۱۰۰ میلیارد دلاری، به بهبود روش‌های گزارش‌دهی و در دسترس بودن داده‌های حمایت مالی از کشورهای درحال توسعه کمک می‌کنند. این امر برای ردیابی پیشرفت به‌سوی هدف مشترک کشورهای توسعه‌یافته برای بسیج ۱۰۰ میلیارد دلار در سال تا سال ۲۰۲۵ بسیار مهم است (European Commission, 2023d). همان‌طور که از توضیحات ارائه شده در این دو بخش برمی‌آید، بازیگران خصوصی و دولتی، منطقه‌ای-ملی-بین‌المللی، نهادهای مختلف و کارگزاران متعددی در فرایند تغییر اقلیم از یک سو و سیاست‌گذاری در آن از سوی دیگر دخیل هستند. این مسئله، تعارض منافع را به چالشی مهم برای اتحادیه اروپا تبدیل می‌کند که خود گاهی به صورت مانع برای مدیریت درست مشکل تبدیل می‌شود. ابتدا لازم است مختصات تضاد منافع در این حوزه روشن شود.

وضعیت تضاد منافع در قوانین تغییر اقلیم اتحادیه اروپا

اغلب، مسائل زیست‌محیطی همچون تغییر اقلیم از دسته معضلاتی هستند که هیچ راه حلی برای آن متصور نیست و تنها راه کاهش اثرات جانبی و خسارت‌های آتی است. در این وضعیت، هر کوششی برای رفع معضلات زیست‌محیطی می‌تواند سبب‌ساز شکل‌گیری یا افزایش مشکلات دیگر شود (Madani, 2020). تضاد منافع شکل‌گرفته در مسائل مربوط به محیط زیست و تغییر اقلیم می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد که از تضاد میان منافع افراد گوناگون یک جامعه گرفته تا تضاد میان منافع کشورهای مختلف با یکدیگر، چه در سطح منطقه‌ای یا در سطح جهانی را در بر می‌گیرد. اتحادیه اروپا نیز به دلیل عضویت کشورهای با شرایط مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، آب‌وهوایی و ... در مسائلی از این دست، خودبه‌خود با تضاد میان منافع کشورهای مختلف عضو این اتحادیه روبه‌رو است. سیاست‌های کاهش کربن اتحادیه اروپا تقریباً از ۱۹۹۲ آغاز شد و از همان ابتدا، با لابی شدید ذینفعان همراه بود. بخش‌های تولیدی، به‌ویژه تولید برق، به دلیل بالا بودن سهمی که در اقتصاد کشورهای گوناگون دارند و نفوذی که از این راه کسب کرده‌اند، بیش از دیگران به لابی‌گری پرداختند. از دیگر مخالفان این سیاست‌ها؛ کشورهایی چون

1. European Investment Bank
2. Platform

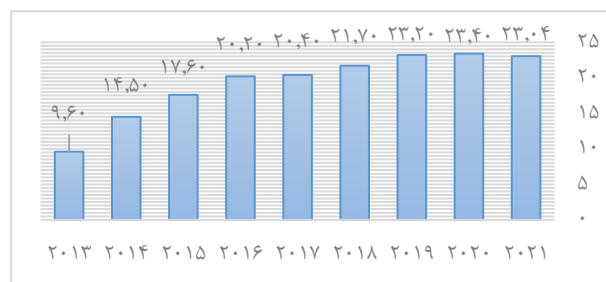
پرتغال، اسپانیا و یونان بودند که از پذیرفتن افزایش هزینه‌های تولیدات وابسته به سوخت‌های فسیلی تا زمان هم‌سطح شدن اقتصادشان با کشورهای ثروتمند شمال اروپا خودداری کردند (Froyn & Aaheim, 2004: 2). از نمونه‌های بارز تضاد منافع میان کشورهای مختلف اتحادیه اروپا، شکل‌گیری گروه ویشه‌گرا^۱ است. لهستان، مجارستان، چک و اسلواکی از اعضای این گروه به شمار می‌روند. پس از روشن شدن هزینه‌های بالای اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی اتحادیه اروپا و به‌ویژه سیاست‌های کاهش کربن، اعضای گروه ویشه‌گرا بر این باورند که اتحادیه اروپا باید برخورد عادلانه‌تری با این موضوع داشته باشد و در همین راستا، خواستار شکل‌گیری سازوکارهای سخاوتمندانه‌تری برای کشورهای با درآمد کم‌تر هستند (Braun, 2019: 7). به‌طور کلی، این مخالفت‌ها ادامه دار بوده‌اند، چنانکه در ۲۰۱۹ نیز شورای اروپا به علت مخالفت چهار کشور مجارستان، استونی، لهستان و جمهوری چک، نتوانست برنامه و اهداف مرتبط با تغییرات اقلیمی تا سال ۲۰۵۰ را تصویب کند (Foraise, 2019). پس از ساعت‌ها مذاکره میان این کشورها و اتحادیه اروپا، در دسامبر ۲۰۱۹ با استمداد از راه‌حلهایی چون؛ ضمانت همکاری در جایگزین ساختن انرژی هسته‌ای برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا در این کشورها با هدف تسهیل فرآیند جایگزینی، سرانجام این اتحادیه توانست رضایت کشورهای مخالف - به‌غیر از لهستان - را جلب کند (Strupczewski & Gabriela, 2019). بحران‌های اقتصادی نیز می‌توانند به تضاد منافع میان کشورهای گوناگون شدت بخشند. این بحران‌ها شکاف میان مدافعان و مخالفان سیاست‌های موردنظر را افزایش می‌دهند، چراکه بحران‌های اقتصادی به کاهش توانایی کشورها برای پرداخت هزینه‌های ناشی از اجرای سیاست‌های مقابله‌ای با تغییر اقلیم می‌انجامد و افزون بر کشورهای فقیرتر، کشورهای توانگری چون فرانسه را نیز از اجرای سیاست‌های لازم ناتوان می‌کند (Skovgaard, 2014 : 9). چنانکه بر اساس رتبه‌بندی شبکه اقدام آب‌وهوایی اروپا^۲ در نوامبر سال ۲۰۱۸، تنها چند ماه پیش از شروع اعتراض‌های جلیقه زردها در فرانسه، این کشور یکی از پنج کشور پیشرو در مقابله با تغییر اقلیم بود (Drazkiewicz, 2018). تا قبل از جنبش جلیقه زردها پیرامون بالا بودن مالیات بر سوخت بنزین در فرانسه، صنایع خودروسازی این کشور حرکتی را در راستای تولید خوردوهای گازویلی آغاز کرد؛ اما به دلیل آلاینده‌ی بالای گازوییل، دولت فرانسه بر اساس سیاست‌های زیست‌محیطی اتحادیه اروپا در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، مالیات بر مصرف گازوییل را به میزان بالایی افزایش داد. علاوه بر افزایش ناگهانی مالیات‌ها، بی‌کاری و رشد پایین اقتصادی، بستر نارضایتی مردم را فراهم آورد و درنهایت آن‌ها را به خیابان‌ها کشاند. سرانجام، تداوم این اعتراض‌ها به ناتوانی دولت فرانسه در ادامه اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی و به‌ویژه؛ سیاست کم‌کربن، انجامید. در واقع، بروز این شکل از بحران‌های اقتصادی-اجتماعی منافع ملی فرانسه را از افزایش سیاست‌های مقابله‌ای با تغییر اقلیم، به‌سوی کاهش نسبی پیشبرد این سیاست‌ها تغییر داد (Niknami & Sabbaghian, 2019) با توجه به این توضیحات این پرسش مطرح است که اتحادیه اروپا چگونه موفق به مدیریت چالش تعارض منافع شده است؟

رویکرد اتحادیه اروپا برای مدیریت تضاد منافع در قوانین تغییر اقلیم

اگرچه تاکنون اتحادیه اروپا برای مقابله با شکل‌گیری تضاد منافع در حوزه اجرای سیاست‌های اقلیمی به راه حلی نهایی دست نیافته است، اما این اتحادیه همواره در جهت رفع موانع اجرای سیاست‌های موردنظر خود اقدامات، برنامه‌ها و استراتژی‌های گوناگون و متنوعی را پی گرفته است. می‌توان گفت اتخاذ این سیاست‌ها تا حدودی توانسته است به حل‌وفصل بسیاری از دست‌اندازها و مشکلات بیانجامد؛ اما تا از بین بردن تمامی موانع و دستیابی کامل به اهداف، هنوز راه درازی در پیش است. از برنامه‌های اصلی اتحادیه اروپا برای کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی در برابر تغییر اقلیم، برنامه سازگاری با تغییر اقلیم^۳ است. در بالا

1. Visegrad Group
2. Climate Action Network (CAN) Europe
3. Climate Change Adaptation Plan

بردن هر چه بیشتر کیفیت اجرای این برنامه، انطباق و هماهنگ‌سازی سیاست‌ها نقش به‌سزایی دارد. در نظر داشتن این مسئله، بستر را برای کاهش تضاد منافع مساعد می‌سازد. ممکن است برخی اقدامات زیست‌محیطی در عین سودمندی‌شان برای یک منطقه، برای دیگر مناطق آسیب‌زا باشند. برای نمونه می‌توان به پروژه‌های سدسازی اشاره کرد که اغلب، مناطق مجاور را با خطر رویارویی با سیل تهدید می‌کنند. هماهنگ‌سازی سیاست‌ها می‌تواند با دو رویکرد متفاوت صورت گیرد که عبارت‌اند از: (۱) رویکرد برنامه‌ریزی و (۲) رویکرد یادگیری (Russel, et al., 2020: 1-2). در حالت نخست، کوشش بر آن است تا قدرت، صلاحیت و اختیارات مرکزی، بیش از سطوح پایین‌تر سیاست‌گذاری همچون سطوح محلی و منطقه‌ای باشد. در مقابل، در حالت دوم، این فرایند در سطوح مختلفی از جمله ذی‌نفعان، بازیگران دولتی، محلی و ... به اشتراک گذاشته می‌شود و به جای تجویز اقدامات مختلف، مفاهیم مشترک موردنظر تقویت می‌گردند. اغلب کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به‌ویژه کشورهای آلمان، هلند و ایتالیا، در مواجهه با تغییر اقلیم رویکرد دوم یا رویکرد یادگیری را به‌عنوان راه‌کاری برای انطباق و هماهنگ‌سازی‌های سیاست‌ها اتخاذ کرده‌اند (Russel, et al., 2020: 2-3). در این میان، هزینه‌بر بودن اجرای سیاست‌هایی زیست‌محیطی و به‌ویژه سیاست‌های اقلیمی، از عمده مشکلات عملی شدن این سیاست‌هاست. در طول سالیان گذشته اتحادیه اروپا توانسته است به شکل چشم‌گیری به بودجه محیط زیست خود بیافزاید. برای مثال چنانکه از نمودار زیر برمی‌آید، این اتحادیه از سال ۲۰۱۳ بودجه کمک‌های زیست‌محیطی خود را به کشورهای درحال توسعه، در راستای سازگاری بیشتر با پیامدهای برآمده از تغییرات آب‌وهوایی و اقداماتی برای کاهش این پیامدها، به بیش از دو برابر رسانده است (Council of the European Union, 2023).



شکل ۲. سهم اروپا در امور مالی مربوط به تغییر اقلیم. منبع: (Council of the European Union, 2023).

از دیگر برنامه‌های اتحادیه اروپا که می‌تواند همگرایی بیشتر کشورهای عضو این اتحادیه را در حوزه مسایل اقلیمی در پی داشته باشد، برنامه ملی انرژی و اقلیم است. بر اساس این برنامه، هر کشور موظف به طراحی و تنظیم برنامه ۱۰ ساله ملی در زمینه انرژی است که می‌بایست آن را در اختیار اتحادیه قرار دهد. این برنامه به راهکارهایی برای تسهیل سرمایه‌گذاری در حوزه‌های عمومی و خصوصی اختصاص دارد (European Commission, 2021a). افزون بر این، برنامه یادشده باید به‌گونه‌ای طراحی شود که بازتاب دیدگاه‌های مردم هر کشور نسبت به برنامه موردنظر باشد. در پایان، اتحادیه اروپا پس از بررسی هر کدام از این برنامه‌ها، ارزیابی خود را از آن به همراه توصیه‌ها و پیشنهادهایی متناسب با هر کشور منتشر می‌کند. این برنامه‌ها از پایه‌های تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپا در حوزه تغییر اقلیم به شمار می‌روند و بر پنج بُعد (۱) امنیت انرژی؛ (۲) بازار انرژی داخلی؛ (۳) بهره‌وری انرژی؛ (۴) کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن و (۵) تحقیق، ابتکارات و رقابت‌پذیری بیشتر، تمرکز دارند (European Commission, 2021a). اتحادیه اروپا با در نظر گرفتن برنامه هریک از کشورها و توان اجرایی آن‌ها می‌تواند درک بهتری از وضعیت هر کشور ارائه دهد تا پایه‌ای برای سیاست‌ها و تصمیمات آتی باشد. رویکرد دیگری که اتحادیه اروپا برای مقابله با تضاد منافع در زمینه تغییر اقلیم اتخاذ کرده است، حمایت از کشورهای وابسته به سوخت‌های فسیلی نظیر زغال‌سنگ، برای گذار به استفاده از سوخت‌های پاک است. به‌طور تقریبی یک‌پنجم برق اتحادیه اروپا از راه سوزاندن زغال‌سنگ تامین می‌شود که این

فرایند در حدود ۲۳۰ هزار شغل را در سرتاسر اتحادیه اروپا و در معادن و نیروگاه‌ها ایجاد کرده است. از این رو، زغال سنگ نوعی محرک اقتصادی به شمار می‌آید. در این میان، بر اساس تصمیم اتحادیه اروپا مبنی بر کاهش ۵۵ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰ و رسیدن به انتشار خنثی در سال ۲۰۵۰، می‌بایست هرچه زودتر به تولید برق از راه سوزاندن زغال سنگ پایان داد و این فرایند را با انرژی‌های پاک بدون انتشار گازهای گلخانه‌ای جایگزین ساخت (European Commission, 2021b). در پیمان سبز که ذکر آن رفت نیز حمایت‌هایی در قالب ساز و کار انتقال عادلانه، برای کاستن از آسیب‌های وارده بر کشورهای با وابستگی بیش‌تر به مصرف زغال سنگ، در نظر گرفته شده است. پشتیبانی مالی و علمی متناسب به کارگران کمک می‌کند و می‌تواند سبب هدایت سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی‌های پاک در مناطق آسیب‌پذیر اتحادیه اروپا شود. کمیسیون اروپا با برپایی مجمعی متشکل از همه احزاب مرتبط، دولت‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، صاحبان مشاغل و اتحادیه‌های کاری، سازمان‌های غیردولتی و دانشگاهی در قالب ابتکار عمل در ارائه راهکارهایی به مناطق وابسته به مصرف زغال سنگ برای گذار به انرژی پاک، به رویکرد انتقال عادلانه از پایین به بالا تحقق بخشیده است (European Commission, 2021b). این مجمع با شکل‌دهی به ارتباط میان ذی‌نفعان، سطح همکاری و رویدادهای سیاسی مرتبط را ارتقا می‌دهد. از دیگر راهکارهای این مجمع، ارائه کمک‌های فنی موردنیاز برای انتقال و تامین منابع حمایتی همچون؛ تامین مالی، اشتغال‌زایی و ... است (European Commission, 2021b). افزایش فعالیت دولت‌های گوناگون در عرصه محیط زیست به دلیل بروز تضاد میان منافع آن‌ها سبب افزایش اختلاف میان دولت‌ها می‌شود. برای جلوگیری از شکل‌گیری تضاد منافع و تبدیل اختلافات به تهدیدات نیاز به حل‌وفصل اختلافات از راه‌های مسالمت‌آمیز است. شیوه‌های حقوقی می‌توانند از جمله راه کارهای مسالمت‌آمیز باشند (Ardakani & Arashpour, 2022: 422-423) در همین راستا، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا از موثرترین نهادهای حقوقی اتحادیه اروپا در حوزه مسائل زیست محیطی است. این دیوان، به واسطه تصمیماتی که در دعاوی و پرونده‌های گوناگون زیست‌محیطی گرفته است، نقش بسیار مهمی در توسعه سیاست‌های زیست‌محیطی و رفع تضاد منافع در اتحادیه اروپا بازی کرده است. همانطور که در قسمت‌های قبل یاد شد، تضاد میان منافع زیست‌محیطی و منافع اقتصادی از مهم‌ترین موانع بر سر راه سیاست‌های اقلیمی است. با بررسی پرونده‌های مختلف محیط زیستی در این دیوان می‌توان دریافت گرچه این نهاد از تاکید صرف بر وحدت اقتصادی اروپا از راه حذف موانع بر سر تجارت آزاد فاصله گرفته است ولی سعی در توسعه حقوق زیست‌محیطی بدون قربانی نمودن وحدت اقتصادی داشته است (Farrokhi, 2017). (204-177) برای تحلیل هرچه بهتر رویه قضایی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به‌ویژه در راستای حل تضاد منافع زیست‌محیطی لازم است به دو معیار عدم تبعیض^۱ و اصل تناسب^۲ پرداخته شود:

معیار تبعیض: یکی از مهم‌ترین موضوعات در فرآیند وحدت اروپا تبعیض آمیز بودن یا نبودن مصوبات و اقدامات دولت‌هاست. به‌عنوان مثال گاهی دولت‌ها در واکنش به حذف موانع تجاری اقداماتی را در راستای منافع شهروندان خود در مقابل منافع شهروندان دیگر کشورها اتخاذ می‌کنند. در مقابل این اقدامات، دیوان، با ابطال یا تعدیل این اقدامات و مصوبات گام مهمی را در راستای حفظ وحدت اروپا و مدیریت تضاد منافع برداشته است. گرچه طبق سند اروپای واحد، اتحادیه اروپا موظف به حفاظت از محیط زیست است، به این دلیل که برای دستیابی به بیشتر اهداف زیست محیطی نیاز به اقدامات منطقه‌ای برای مقابله با یک معضل زیست محیطی محلی است، معیار تبعیض در حوزه مسایل زیست محیطی دارای پیچیدگی دوچندان است. با بررسی پرونده‌های گوناگون رسیدگی شده توسط دیوان دادگستری اتحادیه اروپا پی می‌بریم که به دلیل دشواری در ایجاد تعادل میان اهداف زیست محیطی جدید و اهداف سنتی اقتصادی، پرونده‌ها عموماً به‌صورت ناهمگون و متناقض بررسی شده‌اند (Farrokhi, 2017: 204-208).
اصل تناسب: اصل تناسب نقش پررنگی در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا بازی می‌کند. بر اساس این اصل، می‌بایست اقدامات اتحادیه اروپا برای رسیدن به هدف مناسب باشند، ضروری باشند و نباید به افراد باری بیش از

1. Principle of Non-Discrimination
2. Principle of Proportionality

اندازه تحمیل کنند (European Union, 2023b). این اصل در راستای حفاظت از محیط زیست و سلامت انسان‌هاست. بدین گونه که هر اقدامی باید با در نظر گرفتن منافع، هزینه‌ها و ارزش‌های جامعه ارزیابی شود و در این ارزیابی سلامت انسان‌ها و به تبع آن محیط‌زیست نسبت به ملاحظات اقتصادی اولویت بالاتری خواهند داشت. گرچه به کاربردن چنین اصولی، به ویژه با در نظر گرفتن دیگر اصول و معیارهای اتحادیه اروپا در کنار ملاحظات اقتصادی در عمل بسیار دشوار می‌نماید، اما دیوان دادگستری تا کنون توانسته است در موارد متعددی تعارض میان منافع زیست‌محیطی و منافع اقتصادی را مدیریت نماید (Veinla, 2004: 94-98). همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد، اتحادیه اروپا برای مدیریت هرچه بهتر تعارض میان اتحادیه و کشورهای عضو، اصل برتری حقوق اتحادیه اروپا نسبت به کشورهای عضو را اعلام کرد. این اصل تمامی نهادها را شامل می‌شود. به‌عنوان مثال قوه مقننه کشورهای عضو بر اساس این اصل نمی‌توانند قوانینی را که با قوانین اتحادیه اروپا در تضاد و تعارض هستند تصویب کنند. همچنین قوه مجریه کشورهای عضو نیز نمی‌توانند آیین‌نامه‌هایی را که برخلاف قوانین اتحادیه هستند وضع نمایند و همچنین امکان انعقاد قراردادها و موافقت‌نامه‌های خلاف اتحادیه اروپا نیز وجود ندارد. بر اساس این اصل، دادگاه‌های داخلی نیز در راستای جلوگیری از تعارض میان حقوق اتحادیه اروپا و کشورهای عضو موظف به تفسیر حقوق داخلی در راستای حقوق اتحادیه اروپا و کنار گذاشتن آن دسته از قوانین و مقررات داخلی هستند که مغایر با قوانین و مقررات اتحادیه اروپا هستند (Kadkhodaei & Ahadi Karnagh, 2021: 2). گرچه حل یا مدیریت تضاد منافع در سطح بین‌المللی اگر غیرممکن نباشد امری بس دشوار می‌نماید، اتحادیه اروپا در این راستا علاوه بر رایزنی‌ها و کمک‌های مالی و فناورانه به کشورهای در حال توسعه گام‌های دیگری نیز برداشته است. از بُعد حقوقی، افزون بر معاهدات داخلی و اصل‌های زیست‌محیطی ذکر شده، رویه اتحادیه اروپا به سویی است که موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی با کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا یا سازمان‌های بین‌المللی را نیز بخش جدایی‌ناپذیری از قوانین اتحادیه اروپا به شمار می‌آورد که لازم الاجرا هستند (European Union, 2020) بر اساس این رویکرد، اتحادیه اروپا و تمامی کشورهای عضو این اتحادیه ملزم به اجرای آن دسته از تعهدات بین‌المللی هستند که بر اساس منافع دسته جمعی تنظیم شده‌اند.

نتیجه‌گیری

گرچه سیاستگذاری برای مقابله با تغییر اقلیم به دلیل پیامدها و چالش‌هایی که به همراه دارد به‌ویژه برای اتحادیه اروپا به دلیل عضویت کشورهایی با شرایط متفاوت سیاسی و اقتصادی امری بسیار دشوار است، این اتحادیه توانسته است به‌خوبی با این مسئله زیست‌محیطی مقابله نماید. در ابتدا اتحادیه اروپا با اتخاذ رویکردی نهادی، وظایف قوای مقننه، مجریه و قضاییه را میان نهادهای اصلی چهارگانه خود تقسیم نموده سپس با در نظر گرفتن مخاطرات و چالش‌هایی که این پدیده به همراه دارد از یک سو و همچنین توانایی متفاوت کشورهای عضو برای مقابله با تغییر اقلیم از سوی دیگر به سیاستگذاری بلند پروازانه‌ای همچون کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به میزان ۵۵ درصد تا سال ۲۰۳۰ نسبت به سال ۱۹۹۰ و در نهایت رسیدن به شرایط آب‌وهوایی خنثی در سال ۲۰۵۰ پرداخته است. پس از سیاستگذاری، نهادهای قانون‌گذار اتحادیه با شناسایی جای خالی بستر قانونی لازم برای استیابایی به اهداف بلندپروازانه، اقدام به قانون‌گذاری متناسب با این اهداف نموده‌اند که نتیجه آن قانون اقلیم اروپاست. در کنار این قانون، به‌طور کلی اتحادیه اروپا اصول زیست‌محیطی گوناگونی را مانند اصل پرداخت توسط آلوده کننده، اصل احتیاط، اصل پیشگیری و... را برای حفاظت بیشتر از محیط زیست تصویب کرده است. اتحادیه اروپا همچنین با توجه به فرامرزی بودن ریشه‌ها و هم پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی از راه‌های گوناگونی همچون حضور فعال در مجامع بین‌المللی و همکاری‌ها و کمک‌های مالی، علمی و فناورانه به کشورهای در حال توسعه و همچنین تصویب قوانین سخت‌گیرانه برای ورود برخی کالاها پرکربن در سطح بین‌المللی نیز فعال بوده است. در نهایت گرچه حل و فصل چالش‌هایی همچون تضاد منافع امر بسیار دشواری است، اتحادیه اروپا از راه‌های گوناگونی به مقابله با این چالش پرداخته است. در مرحله اول در سیاستگذاری سعی بر در نظر گرفتن شرایط کشورهای با توان

اقتصادی کم‌تر داشته و پس از آن از طریق قانون‌گذاری با برتری بخشیدن به قوانین اتحادیه اروپا در مقابل قوانین کشورهای عضو تلاش نموده تعارض میان رویکرد اتحادیه و کشورهای عضو را تا حد ممکن کاهش دهد. در مرحله آخر نیز به واسطه نهادهای قضایی همچون دیوان دادگستری اتحادیه اروپا تلاش نموده با ایجاد تعادل میان منافع زیست‌محیطی و منافع اقتصادی به وحدت هرچه بیشتر اتحادیه اروپا و کشورهای عضو کمک کند. در نهایت اتحادیه اروپا با حق برتری قوانین به معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نسبت به قوانین داخلی کشورهای عضو به کاهش تضاد منافع در سطح بین‌المللی نیز پرداخته است.

References

- 1- Aaheim, H. Absjorn., & Froyn, Camilla Bretteville. (2004). Sectoral Opposition to Carbon Taxes in the EU – a Myopic Economic Approach. *International Environmental Agreements* volume, 279–302. Retrieved from <https://link.springer.com/article/10.1007/s10784-004-1156-5>
- 2- Alizadeh, Masoud, Yousefzadeh, Seyed Mahmood., & Bagheri, Farhad. (2019). Environmental liability system in the EU with due consideration to the 2004 directive. *Public Law Studies Quarterly*, 49(3), 823-835. doi:10.22059/jplsq.2018.253688.1693. [Persian]
- 3- Ardakani, Mohamad Zaker, and Alireza Arashpoor. 2022. "Evaluating Legal Methods for the Settlement of International Environmental Disputes." *The Public Law Studies Quarterly* 421-437. doi:<https://doi.org/10.22059/jplsq.2020.289491.2174>. [Persian]
- 4- Benzie, Magnus., Carter, Timothy R., Carlsen, Henrik., & Taylor, Richard. (2019). Cross-border climate change impacts: implications for the European Union. *Regional Environmental Change*, 763-776. doi:<https://doi.org/10.1007/s10113-018-1436-1>
- 5- Bergamaschi, Luca., Mabey, Nick., Born, Camilla., & White, Adam. (2019). *Managing Climate Risk for a Safer Future-Anew Resilience Agenda for Europe*. E3G.
- 6- Bohr, Jeremiah. (2016). The 'climatism' cartel: why climate change deniers oppose market-based mitigation policy. *Environmental Politics*, 812-830. <https://doi.org/10.1080/09644016.2016.1156106>
- 7- Braun, Mats. (2019). The Czech Republic's approach to the EU 2030 climate and energy framework. *Environmental Politics*, 1105-1123. doi:10.1080/09644016.2019.1625139
- 8- Burgers, Laura. (2020). Should Judges Make Climate Change Law? *Transnational Environmental Law*, 9(1), 55-75. doi:<https://doi.org/10.1017/S2047102519000360>
- 9- Council of the European Union. (2023, May 03). Financing the climate transition. Retrieved from Council of the European Union: <https://www.consilium.europa.eu/en/policies/climate-finance/>
- 10- Daniell, Katherine., & Kay, Adrian. (2017). Multi-level Governance: An Introduction. In Katherine. Daniell, & Adrian. Kay, *Multi-level Governance: Conceptual challenges and case studies from Australia* (pp. 3-32). Australian National University Press. Retrieved from <http://library.oapen.org/handle/20.500.12657/30869>
- 11- Drazkiewicz, Ania . 2018. EU countries off target in fighting climate change. June 17. <https://caneurope.org/eu-countries-off-target-in-fighting-climate-change/>.
- 12- Duijndam, Sem., & Beukering, Peter Van. (2020). Understanding public concern about climate change in Europe, 2008–2017: the influence of economic factors and right-wing populism. *Institute for Environmental Studies (IVM)*, 353-367. Retrieved from <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/14693062.2020.1831431>
- 13- Eckerberg, Katarina., & Joas, Marko. (2004). Multi-level Environmental Governance: a concept under stress? *Local Environment*, 9(5), 405-412. doi:10.1080/1354983042000255315
- 14- EUR-Lex. (2023, May 06). Precautionary principle. Retrieved from EUR-Lex: <https://eur-lex.europa.eu/EN/legal-content/glossary/precautionary-principle.html#:~:text=The%20precautionary%20principle%20is%20an,should%20not%20be%20carried%20out.>
- 15- European Commission. (2019, December 11). The European Green Deal Retrieved from European Commission: https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/ip_19_6691
- 16- European Commission. (2020, March 4). Commission proposal for a Regulation: European Climate Law. Retrieved from European Commission: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?qid=1588581905912&uri=CELEX:52020PC0080>
- 17- European Commission. (2021a, 03 05). National energy and climate plans Retrieved from European Commission: https://ec.europa.eu/energy/topics/energy-strategy/national-energy-climate-plans_en
- 18- European Commission. (2021b, March 24). Coal regions in transition. Retrieved from European Commission: https://ec.europa.eu/energy/topics/oil-gas-and-coal/EU-coal-regions/coal-regions-transition_en
- 19- European commission. (2023a, May 06). Principles of EU environmental law. Retrieved from European commission: https://www.era-comm.eu/Introduction_EU_Environmental_Law/EN/module_2/module_2_9.html#:~:text=The%20prevention%20principle%20aims%20to,environmental%20damage%20before%20it%20happens.
- 20- European Commission. (2023b, April 19). Carbon Border Adjustment Mechanism. Retrieved from European Commission: https://taxation-customs.ec.europa.eu/green-taxation-0/carbon-border-adjustment-mechanism_en
- 21- European Commission. (2023c, April 18). International climate finance. Retrieved from European Commission: https://climate.ec.europa.eu/eu-action/international-action-climate-change/international-climate-finance/transparency-international-climate-finance_en
- 22- European Commission. (2023d, April 18). Transparency of international climate finance. Retrieved from European Commission: https://climate.ec.europa.eu/eu-action/international-action-climate-change/international-climate-finance/transparency-international-climate-finance_en
- 23- European Economic and Social Committee. (2017, October 19). Climate justice (own-initiative opinion). Retrieved from European Economic and Social Committee: <https://www.eesc.europa.eu/en/our-work/opinions-information-reports/opinions/climate-justice-own-initiative-opinion>

- 24- European Environment Agency. (2023, May 08). What are the climate change impacts in Europe? Retrieved from European Environment Agency: <https://www.eea.europa.eu/help/faq/what-are-the-climate-change#:~:text=Europe%20has%20been%20warming%20at,greenhouse%20gas%20emissions%20prove%20effective>.
- 25- European Parliament. (2023, April). The principle of subsidiarity. Retrieved from European Parliament: <https://www.europarl.europa.eu/factsheets/en/sheet/7/the-principle-of-subsidiarity#:~:text=Definition,in%20relation%20to%20central%20government>.
- 26- European Union. (2012). Consolidated version of the Treaty on the Functioning of the European Union. Brussels: European Union. Retrieved from <https://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:12012E/TXT:en:PDF>
- 27- European Union. (2020, April 08). Retrieved from International agreements and the EU's external competences: <https://eur-lex.europa.eu/EN/legal-content/summary/international-agreements-and-the-eu-s-external-competences.html>
- 28- European Union. (2021). Regulation (EU) 2021/1119. 30: June.
- 29- European Union. (2023a, May 08). Types of institutions and bodies. Retrieved from European Union: https://european-union.europa.eu/institutions-law-budget/institutions-and-bodies/types-institutions-and-bodies_en
- 30- European Union. (2023b, June 19). Retrieved from Principle of Proportionality: <https://eur-lex.europa.eu/EN/legal-content/glossary/principle-of-proportionality.html>
- 31- Farrokhi, Rahmat. 2017. The European Union and Judicial Protection of the Environment. Tehran: Khorsandi. [Persian]
- 32- Foraise, Declan. (2019, June 21). Eastern European Countries Say No To Carbon Neutrality Without Compensation. Retrieved from [ecosystemmarketplace.com/articles/eastern-european-countries-block-carbon-neutrality-pledge/](https://www.ecosystemmarketplace.com/articles/eastern-european-countries-block-carbon-neutrality-pledge/)
- 33- Di Gregorio, Monica, Fatorelli, Leandra., Paavola, Jouni., Locatelli, Bruno., Pramova, Emilia., Nurrochmat, Dodik. Ridho., . . . Kusumadewi, Sonya. Dyah. (2019). Multi-level governance and power in climate change policy networks. *Global Environmental Change*, 54, 64-77. Retrieved from <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2018.10.003>
- 34- Higham, Catherine., Setzer, Joana., Narulla, Harj., & Bradeen, Emily. (2023). Climate change law in Europe, What do new EU climate laws mean for the courts? Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment and the Centre for Climate Change Economics and Policy.
- 35- Kaddhodaie, Abbasali., & Ahadi Karnagh, Ali. 2021. "The Direct Effect of International Agreements in European Union Law." *The Public Law Studies Quarterly* 1-16. doi:<https://doi.org/10.22059/jplsq.2018.252257.1672>. [Persian]
- 36- Karimi, Mahdi. (2021). The EU's Environmental Policy Making. *Political Organizing of Space*, 3(3), 205-219. Retrieved from <http://psp.modares.ac.ir/article-42-55793-en.html>. [Persian]
- 37- Kekeya, J. (2021). Qualitative case study research design: The commonalities and differences between collective, intrinsic and instrumental case studies. *Contemporary PNG Studies*, 36, 28-37. <https://search.informit.org/doi/10.3316/informit.356219476950585>
- 38- Lepage, Corinne. (2023, May 08). Climate justice in Europe: The growing role of courts. Retrieved from *Groupe d'études géopolitiques*: <https://geopolitique.eu/en/articles/climate-justice-in-europe-the-growing-role-of-courts/>
- 39- London school of economics and political science. (2022, July 18). What is the polluter pays principle? Retrieved from London school of economics and political science: <https://www.lse.ac.uk/granthaminstitute/explainers/what-is-the-polluter-pays-principle/#:~:text=The%20polluter%20pays%20principle%20is,health%20or%20the%20environment>.
- 40- Madani, Kaveh, interview by Iranian Students Association at EPFL. 2020. Conversation with students abroad (December 11). [Peraisa]
- 41- Niknami, Roxana., & Sabbaghian, Ali. (2019.05.19). Scientific meeting on "Yellow Vest Movement: Origins and Demands". Retrieved from the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran: <https://lawpol.ut.ac.ir>. [Persian]
- 42- Oberthür, Sebastian., & Dupont, Claire. (2021). The European Union's international climate leadership: towards a grand climate strategy? *Journal of European Public Policy*, 1095-1114. doi:10.1080/13501763.2021.1918218
- 43- Poor Hashemi, Seyed Abbas., Taghavi , Loabat., & Parande Motlagh, Azam. (2014). Utilization of renewable energy resources in European Union's Legal System. *Human & Environment*, 12(3), 37-44. Retrieved from https://he.srbiau.ac.ir/article_6836.html?lang=en. [Persian]
- 44- Poortinga, W., Fisher, S., Böhm, G., Steg, L., Whitmarsh, L., & Ogunbode, C. (2018, September). European Attitudes to Climate Change and Energy. *European Social Survey*, 4.
- 45- Political Club. (2023, 09 28). Multilevel governance in the European Union and lessons for supranational councils in Iran. Retrieved from Sharif Governance Think Tank: <https://gptt.ir/sources/%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%86-%DA%86%D9%86%D8%AF%D8%B3%D8%B7%D8%AD-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%AA%D8%AD%D8%A7%D8%AF-%D9%87-%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%BE%D8%A7-%D9%88-%D8%AF%D8%B1%D8%B3-%D9%87%D8%A7-%D8%A8%D8%B1%D8%A7-%D8%B4%D9%88%D8%B>. [Persian]
- 46- Russel, Duncan., Castellari, Sergio., Capriolo, Alessio., Dessai, Suraje., Hildén, Mikael., Jensen, Anne., . . . Tröltzsch, Jenny. (2020). Policy Coordination for National Climate Change Adaptation in Europe: All Process, but Little Power. *Sustainability*, 1-18. doi: 10.3390/su12135393
- 47- Sarvestani, Abbas. (2022). The EU role in Global Environmental Governance, Insights for IR.Iran (Phd Thesis). University of Tehran: Tehran. [Persian]
- 48- Setzer, Joana., Narulla, Harj., Higham , Catherine., & Bradeen, Emily. (2022). Climate Litigation in Europe. Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment and the European Union Forum of Judges for the Environment. Retrieved from https://www.lse.ac.uk/granthaminstitute/wp-content/uploads/2022/12/Climate-litigation-in-Europe_A-summary-report-for-the-EU-Forum-of-Judges-for-the-Environment.pdf
- 49- Skovgaard , Jakob. (2014). EU climate policy after the crisis. *Environmental Politics*, 1-17. doi:10.1080/09644016.2013.818304
- 50- Strupczewski, Jan., & Gabriela , Baczynska. (2019, December 12). EU leaves Poland out of 2050 climate deal after standoff. Retrieved from Reuters: <https://www.reuters.com/article/us-climate-change-eu-idUSKBN1YG011>
- 51- Veinla, Hannes. (2004). Determination of the Level of Environmental Protection and the Proportionality of Environmental Measures in Community Law. *Juridica International*, 89-98. Retrieved from https://www.juridicainternational.eu/public/pdf/ji_2004_IX_89.pdf